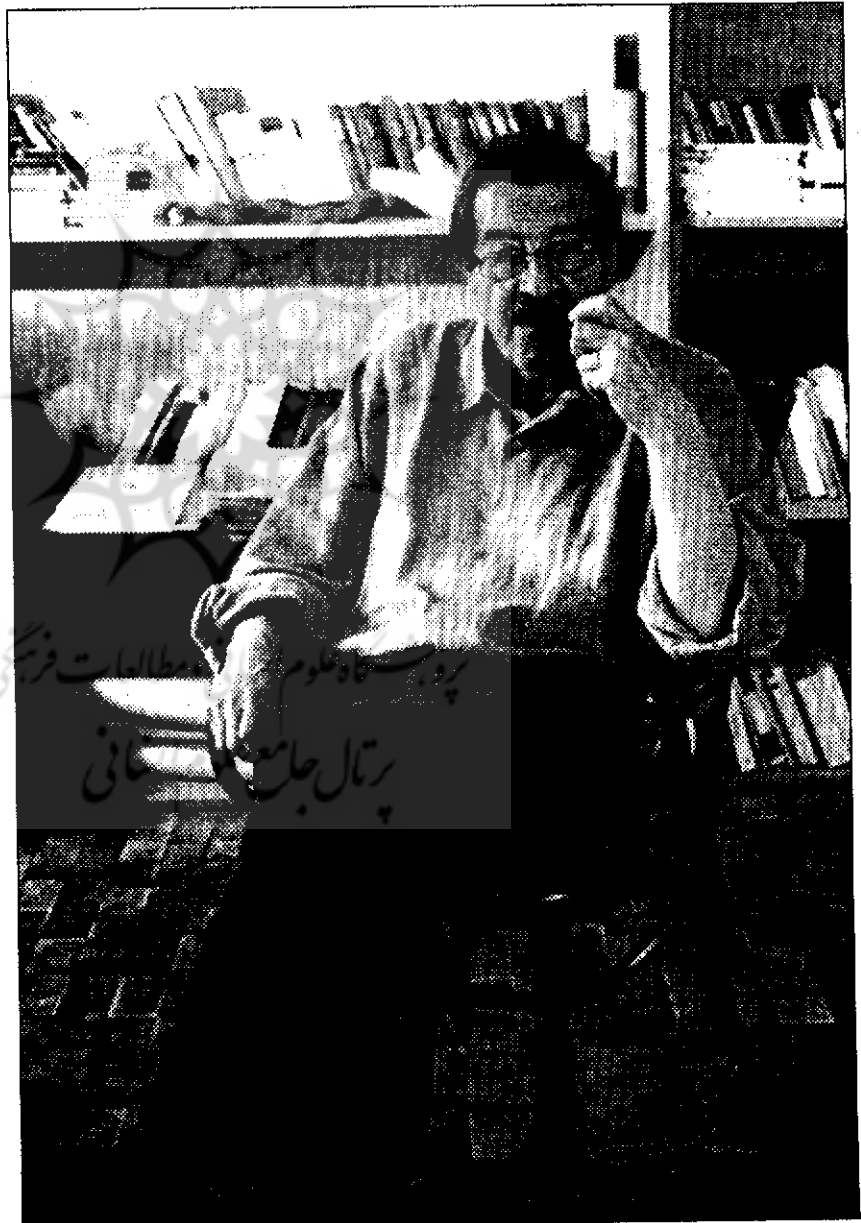


گوتتر گراس روشنگر دیرآمده به عصر خسته استدلال

ترجمه جمشید کارآگامی



شاعر، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، پیکره‌ساز و حکاک، که با نخستین رمان خارق‌العاده‌اش طبل حلبی ۱۹۵۹ سخنگوی ادبی نسلی از آلمانی‌ها شده که در دوره نازی‌ها پرورش یافتند. گراس نوبل ادبی ۱۹۹۹ را دریافت کرد. نویسنده خود را به عنوان «روشنگر دیرآمده» توصیف کرده است، مبلغ دیر هنگام روشنگری در عصری که از بحث و استدلال خسته شده است.

گراس در گدانسک، لهستان «دائزیک سابق، آلمان»، صحنه رویدادهای چند رمانش چشم به جهان گشود. پدرش مالک مغازه عطاری بود و مادرش از تبار کاشوبین Kashubian بود. مردمان اسلاو هم از لحاظ زبان و هم از جنبه فرهنگ از لهستانی‌ها متمایزاند. گراس در وولک شاول دائزیک Volksschule آموزش دید. در دهه ۱۹۳۰ به سازمان جوانان هیتلری پیوست، در سن شانزده سالگی به خدمت زیر پرچم فراخوانده شد و در ۱۹۴۵ در نبردی مجروح شد. در همان سال در ماریان باد Marlen bad چکسلواکی، به زندان افتاد. در ۱۹۴۶ از زندان آزاد شد، گراس با کار در مزارع، معدن پتاس و به عنوان حجار زندگیش را تأمین می‌کرد.

در ۱۹۴۸ گراس به عنوان دانشجوی نقاشی و پیکرتراشی در آکادمی هنر دوسلدورف ثبت نام کرد. در ۱۹۵۳-۵۵ او در برلن غربی در آکادمی دولتی هنرهای زیبای برلین به تحصیل پرداخت. گراس در دهه ۱۹۵۰ به ایتالیا، فرانسه و اسپانیا سفر کرد. در ۱۹۵۴ با آن مارگارت شووارتز ازدواج کرد. در ۱۹۷۸ از یکدیگر جدا شدند. در ۱۹۷۹ گراس با اوته گرونرت ازدواج کرد.

گراس در دوسلدورف و برلین اشعاری سروده بود، برخی از آن اشعار را در حضور گروه ۴۷، گروه بانفوذی از نویسندگان قرائت کرد. از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ در پاریس در مقام مجسمه‌ساز و نویسنده کار کرد و در ۱۹۶۰ در برلن غربی سکونت گزید. گراس در سال ۱۹۵۶ در طی اقامتش در پاریس نگارش نخستین رمان بسیار موفقش طبل حلبی را آغاز کرد. دیگر آثارش از اواخر دهه ۱۹۵۰ بیشتر نمایشنامه‌هایی بوده که مانند آثار منظومش، فقط با استقبال مردم عادی روبه‌رو شد.

طبل حلبی در ۱۹۵۹ منتشر شد و به علت تصویری که از دوران نازی ترسیم می‌کرد در آلمان جنجال به پا کرد. شخصیت اصلی رمان اسکار ماتزراته است، که از اعتراض به سیاهکاری تاریخ آلمان خودداری می‌کند و فقط به واسطه طبل اسباب بازیش گفت‌وگو می‌کند. این رمان اولین بخش از تریلوژی دائزیک گراس بود، که با رمان کوتاه گریه و موش ۱۹۶۱ که تجارب جوانی از پایین‌ترین قشر طبقه متوسط را شرح می‌دهد، دنبال شده. سال‌های سگی ۱۹۶۳، گراس بعدها آن را شروعی ناموفق در بخش سوم تلقی کرد. رمان بر جنایات نازی‌ها و پذیرش بعد از جنگ



می‌کند، و در این میان نقش تاریخی پخت‌وپز، وظایف جنسی، فمینیسم را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد - هم چنین تحت تأثیر قصه پریان گریم Grimm، ماهیگیر و همسرش، در این اثر سفره‌ماهی ناطقی وجود دارد.

در میان آثار گراس از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کتاب دیگرش، موش ۱۹۸۶ است، در آن راوی موش ماده‌یی را به عنوان هدیه دریافت می‌کند، که در برخی از داستان‌هایش به وضوح نشان می‌دهد که موش‌ها وارث زمین خواهند شد. اوای وزغ ۱۹۹۲، داستان دو زن بیوه است، یک تاریخدان هنر آلمانی و یک متخصص مرمت ابنیه اهل آلمان که با یکدیگر وارد معامله می‌شوند تا بقیه آلمانی‌ها تبعید شده پس از جنگ را به دانزیگ بازگردانند. در مزرعه دور Ein Weites Feld ۱۹۹۵ به رویدادهای سال‌های اتحاد دو آلمان



۱۹۹۱-۸۹ می‌پردازد. شخصیت اصلی داستان، تیوتوکه، زندگی‌اش را وقف مطالعه آثار نویسنده قرن نوزدهم فیودور فونتاین کرده است و با کنکاش در حوادث مشابه تاریخی رویدادهای روزانه را تعیین می‌کند.

گراس از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷ در هندوستان به سر برد، که این دوره را در «زیانت را نشان بده» ۱۹۸۸ آن را شرح داده است. از ۱۹۷۶ ویراستار ناشر و از ۱۹۸۰ ویراستار ناشر VERLAG L80 بوده است. گراس بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ ریاست آکادمی هنرهای برلین را به عهده داشت. برخی از جوایزی را که گراس دریافت کرده است عبارتند از: گروه ۴۷ ۱۹۵۸، جایزه منتقدان ۱۹۶۰ آلمان، جایزه کتاب خارجی ۱۹۶۲، فرانسه، جایزه بوئر ۱۹۶۵، جایزه فونتاین ۱۹۶۸، جایزه Heuss ۱۹۶۹، جایزه مونهلو ۱۹۷۷، پالمو، مدال کارل فون اوسیرسکی ۱۹۷۷، جایزه ویاچیو -

نازی‌ها سابق متمرکز بود.

گراس نگاهش را از دانزیگ متوجه برلین کرد. در نمایش عوام مشق شورش می‌کنند، ۱۹۶۶ برتولت برشت در نقش رئیسی ظاهر می‌شود، که از ترک دل‌مشغولی‌های ساختگی برای حمایت از قیام اصلاح‌طلبانه کارگردان برلن شرقی خودداری می‌کند. برلین در زمان «بی‌حسی موضعی» ۱۹۶۶، و نمایش «روبه‌روی آن» بر اساس این زمان، صحنه همه رویدادها بود.

گراس پس از آن‌که با این تریولوژی شهرتی به‌هم‌زد، فعالیت‌های سیاسی‌اش را آغاز کرد. گراس به عنوان نویسنده پشت پرده برای رهبر سوسیال‌دموکرات‌ها، ویلی برانت ۱۹۲۲-۱۹۱۳ که از ۱۹۶۹-۷۴ صدراعظم آلمان بود، کار کرد. در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات: «صدای شهروند».

در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گراس موضوعات مورد نظرش را از تاریخ جدید آلمان و سیاست‌های معاصر به حوزه‌های دیگر، چون فمینیسم، هنر آشپزی و بوم‌شناسی گسترش داد. «از خاطرات یک حلزون» در ۱۹۷۲ گراس خاطرات سفرهای مبارزاتی‌اش را برای سوسیال‌دموکرات‌ها و ویلی برانت در انتخابات ۱۹۶۹ رساند. این خاطرات آمیزه‌یی از روایت، گزارشگر و نویسنده، داستان مردی است به نام هرمان اوت، یک جمع‌کننده حلزون که از بیم نازی‌ها نزد کاشوبینی که می‌خواهد آلمانی بشود پناهنده می‌شود. در «سفره‌ماهی» ۱۹۷۷، گراس هم چنان‌که از مادرسالاری پیش از تاریخ تا کارخانه‌های کشتی‌سازی گدانسک دهه ۱۹۷۰ در آمد و شد است، اسطوره‌شناسی و زبان را به بازی می‌گیرد. گراس توسعه و پیشرفت تمدن را چون مبارزه‌یی بین رویاهای ویرانگر و عظمت مردانه و هنر و مهارت زنانه توصیف



سیلیا ۱۹۷۸، مدال ماژکوفسکی ۱۹۷۷، جایزه فلتزنیلی ۱۹۸۲، لیوتارد فرانک رینگ ۱۹۸۸، گراس از سه کالج و دانشگاه مدارک افتخاری دریافت کرده است. تازه‌ترین کتاب گراس «قرن من» ۱۹۹۹ است، شرح و گزارشی بی‌عیب و نقص از قرن بیستم.

گراس در مقام یک مقاله‌نویس فعال و پرکار بوده است و به چندین موضوع پرداخته است. او بحث‌های سنجیده مبتنی بر واقعیت‌های پیچیده در اوضاع و احوال تاریخی را بسط و توسعه می‌دهد. گراس در رمان‌هایش بیشتر از سبک باروک استفاده کرده است. در ۱۹۸۹-۹۱ او با اتحاد شتابزده دو آلمان مخالفت کرد و در ۱۹۹۲ خطابه عمومی راجع به انحطاط فرهنگ سیاسی آلمان متحد نسبت به قربانیان ترک مولن ایراد کرد. او، هم چنین در مقالات خبری‌اش فرهنگ و سیاست معاصر آلمان را مورد انتقاد قرار داده است.

در کتاب «درباره آموزگارم دوپلین و دیگر سخنرانی‌ها» ۱۹۶۸، گراس دین‌اش را نسبت به آلفرد دوپلین، نویسنده و سیاستمدار ادا کرد، هر چند از لحاظ هنری تأثیرات ادبی به وضوح دیده نمی‌شوند. کم‌دی فانتزی گراس در ادبیات آلمان کاملاً متمایز است، او راویانی خلق کرده است که به شدت از هنر قصه‌گویی خوشان آگاه هستند و در اشعارش به سوررئالیسم پهلو زده است. سبک نویسندگی او را اغلب در قالب باروک توصیف کرده‌اند - هم چنان‌که راهش را از میان وقایع گوناگون و کنار هم گذاری‌های بی‌تناسب به سوی سورئال در می‌نوردد ملو از زندگی است. اما غیرغم این عوامل شگرف، نقد اخیر بر آن نیست تا رمان‌های چون طبل حلبی را اساساً تاریخی یا حتی واقع‌گرا به شمار آورد.